

سال چهارم ☆ اردمان کمیتکودستان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ☆ قیمت ۲۰ ریال شماره ۳۸ مهر ۶۵

نهاجم رژیم برای سرپازگیری را درهم بشکنیم

هفت سال پس از آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق هنوز جغد شوم مرگ و نیستی برپام تمامی خانه های زحمتکشان کشورمان نشسته است و تنور جنگ به بهای جان هزاران تن زیانه میکشد و هر روز عده بیشماری از جوانان را یکام خود میبلعد و باز رژیم جنایتکار فقم را برای ادامه وضعیت جنگی به نمایش سیاست مرگ و نیستی خود باهدف بنیه در صفحه ۲

نگاهی در دوره مسائل مالی

برنامه آزمایشی
صدای کارگر
راهبری
سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر
صفحه ۲۲

گسترش فلاکت تودهای
وراه مقابله با آن
صفحه ۱۱

پاسخ به نامه ها
صفحه ۲۳

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان
صفحه ۱۷

آزادی، استقلال، حکومت شورائی

تهاجم رژیم برای سرپازگیری را

در هم بشکنیم

د مکرسی، به یکی از مهمترین عرصه های درگیری رژیم با توده های مردم تبدیل شده است. ما در ریگای-کریکار شماره ۳۴ پس از بررسی و جمع بندی وضعیت تهاجمی رژیم برای سرپازگیری و چگونگی عکس العمل توده ها در سه ماهه اول سال گفته بودیم که در چند ماه گذشته شکل اصلی مبارزه علیه سرپازگیری، مقابل یک یکپارچه ثوکه ها و سازماندهی فرار جوانان و انتقال آنان به ماطود و از دسترس رژیم بوده است. اقدام فرار از دست جوانان انقباضی برای فرار از دست رژیم بوده است. اقدام جوانان انقلابی برای فرار از دست رژیم و پیوستن به صفوف پیشترگان از جمله عواملی است که نقش برجسته ای در عدم پیشرفت سیاستهای رژیم داشته است. اینک ارزیابی چگونگی مبارزات توده ها علیه سرپازگیری در سه ماهه دوم به وضوح روشن می سازد که ضمن اینکه مسئله از خود سرپازگیری اجباری فراتر رفته و در سطح

..... دستبرد به تمامی هستی زحمتکش چهره د هشت انگیزتری می دهد و با گذاردن قوانین پی در پی جهت تسبیح اجباری و سرپازگیری و نابود کردن ارواشان سرکوبگرش به خیابانها و کوچه ها و تعقیب جوانان تا پستوها خانه هایشان تلاش می نماید تا با شکار آنها و کشتنشان به جیبه هب خود را از این بین بست چنگ برهاند اما توده های زحمتکش که فشار سیاستهای پان اسلامی رژیم را در همه ابعاد زندگی و تمامی وجود خود حس کرده اند و دریافتند که جنگ حاصلی جز تباهی و ویرانی و از دست دادن عزیزان خود، برایشان ندارند با دفاع فعال و همه جانبه از فرزند خود رژیم را در چنان بن بستنی قرار می دهند که راهی جز تابودی و مرگ در پیش روی نخواهد داشت. سیاست سرپازگیری فقها و زکدستان انقلابی بدلیل جنگ مسلحانه پیشتر که برای کسب خود مختاری و مستط

بسیج عمومی جنگی رژیم مطرح می باشد،
مقابله یکپارچه توده ها با یورش گروه
های ضربت رژیم جمهوری اسلامی
و مزدوران محلی شکل اصلی فعالیت
مبارزاتی مردم بر علیه سرانزگیری
بوده است و در این میان ما در آن
شجاع و زنان مبارز برای دفاع از
فرزندان و نان آوران خانه شان نقش
فعال و برجسته ای در این عرصه از
مبارزه را ایفا کرده اند. در اکثریت
قریب به اتفاق حرکتها اعظم از راه
پیمائی بسوی قرارگاههای دشمن و
با جمع شدن جلو پایگاهها و حمله
بسوی خود روهای دشمن هر کجا که
یکپارچه و یکصد اجرتی صورت گرفته
است مردم موفق به آزادی جوانان خود
و عقب راندن مزدوران شده اند.
موارد زیر از جمله نمونه های مقاومت
و ایستادگی و مبارزه مردم علیه سرباز
گیری هستند:

— فراری دادن ۱۵ نفر از جوانان
روستای "ساوان" بخش "شوی"
بانه از دست مزدوران در اوایل
شهریور تمامی مردم روستای سارال
علیه خانه گردی و محاصره روستا
توسط مزدوران اعتراض کرده و بایک
پارچگی خود پس از اخراج گروههای

ضربت از روستا موفق شدند که
جوانان را از چنگال دشمن برهانند.
— در روز ۱۴ شهریور مردم روستاهای
"چور" و "ننه" در ناحیه مریوان
با مقاومت خود و دفاع از جوانانشان
۶ نفر از فرزندان خود را از چنگال
گروههای ضربت آزاد کردند.
— در روستای "حاجی سؤل" از بخش
سرشیو سقز زنان روستا با چوب
و سنگ و حمله به خود روهای مزدوران
و خورد کردن آنها، ۳ تن از جوانان
خود را که بوسیله مزدوران بقصد
سرانزگیری دستگیر شده بودند
آزاد کردند. تاکتیک اعتراضات
دسته جمعی، جمع شدن جلو پایگاه
ها و حمله به مزدوران علیرغم تیر
اندازی شدید از طرف نیروهای مستر
کوبگر رژیم و فرار جوانان تاکتیکهائی
هستند که در سراسر کردستان هر جا
که نیروهای ضربت رژیم برای دستگیری
جوانان یورش آورده اند، از بسوی
اهالی بکار گرفته شده است و در تمام
می موارد مردم موفق شده اند مزدوران
را به تسلیم واداشته و سیاستهای
رژیم را به شکست بکشانند. پیروی
نمونه:

— در روستای "شانشین" بخش

حرکت تودهای تصمیم گرفتند کسه
مشولین را به شهر منتقل کنند . اما
مردم با راه بندان و یورش به گروههای
ضربت رژیم آنان را مجبور به عقب
نشینی کرده و دستگیرشدگان را آزاد
کردند .

- یورش ، تفتیش و خانه گردی مزدوران

رژیم در روز ۹ مرداد به روستای

" الك " از توابع کامیاران منجر به

دستگیری چند نفر از مشمولان گردید

که مقابله دسته جمعی و درگیر شدن

مردم زحمتکش روستا با نیروهای ضربت

رژیم تمامی طرح آنها را در هم

ریخت . مزدوران که از شکست خود

عاجز شده بودند با تیراندازی و ایجاد

جو رب و هراس مجدد اذیت و نرسرا

دستگیر و با خود بردند . مردم

مبارز روستای " الك " در ادامه

حرکات اعتراضی و یکپارچه خود به

شهر کامیاران رفتند و علیرغم تهدید

اتی که از طرف مقامات صورت میگرفت

با ایستادگی و مقاومت خود توانستند

دستگیرشدگان را آزاد و همراه خود

به روستا برگردانند .

در روستای " سی سیر " از توابع

شردشت نیز که در روز ۲۳ مرداد از

طرف کیههای ضربت رژیم محاصره

سارال از توابع سنندج ، مزدوران رژیم

روز ۲۷ تیرماه بعد از دستگیری چند

نفر از جوانان ، با حرکت جمعی

زحمتکشان ، خصوصاً زنان شجاع روستا

روبرو شدند ، مردم منطقه بنادرها -

نیدن فرزندانشان با چوب و سنگ به

آنان حمله کردند . اما مسزوران

توانستند ۴ نفر از دستگیرشدگان را

با خود به پایگاه جانوره ببرند . مردم

مجدداً با تجمع در جلو پایگاه جانوره

توانستند عزیزان خود را آزاد کنند .

در روز ۲۷ تیرماه گروههای ضربت

رژیم بطور همزمان با اکثر روستاهای

بخش سرشیورامورد هجوم قرار داده

و با محاصره روستاها و تفتیش و خانه

گردی به دستگیری جوانان پرداختند .

خشد که در تمامی روستاها با اعتراض

زنان و مردان زحمتکش مواجه شدند

که در مواردی نیز منجر به درگیری شد .

علیرغم این مزدوران توانستند ۱۱۰

تن از جوانان و اهالی را دستگیر

کرده و با خود به چناره ببرند .

پس از آن حدود هزار نفر از زحمتکشا

منطقه پیاده و سواره خود را به چناره

رساندند و طی راه پیمایی اعتراضی

خواستار آزادی دستگیرشدگان

شدند ، مزدوران در و جشت از این

گزارشات منتشره از طرف سازندگان سیاسی تنظیم شده است علیرغم اینکه محتملا منعکس کننده تمامی حرکات توده‌های نیست گویای این واقعیت است که در سه ماهه گذشته سیاست سرریزگیری رژیم در مواجهه با مقاومت توده‌های در اکثر موارد به شکست انجامیده است.

شده بود پس از تفتیش و خانه‌گردی ۵۰ نفر از مسئولین که موفق به فرار نشدند بودند توسط مزدوران دستگیر می‌شوند. در اینجا نیز مردان و زنان زحمتکش روستاها با اعتراض دست‌جمعی و ایستادگی در مقابل مزدوران موفق به آزادی فرزند آن خود شدند.

جدول زیر که بر مبنای مجموع

جدول شماره ۱: وضعیت مقاومت توده‌ها

تعداد یورش دشمن برای دستگیری مسئولین	تعداد مقاومت مردم	موفق	ناموفق	عدم مقاومت
۹۸	۹۵	۷۵	۲۰	۲

سپه‌نگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

جدول شماره ۲ تاکتیکهای دشمن

تهدید و ارباب	محاصره روستا	تفتیش و خانه گردی	دستگیری جوانان
۱۲	۵۹	۲۸	۷۵

جدول شماره ۳ تاکتیکهای مردم در مقابله با دشمن

۵۹	مشاوره به درگیری	اعتراض در سنگ جبهه
	مسالمت آمیز	
۴۴	تجمع در مقابل پایگاه	
۲۱	راهپیمایی بسمت مراکز نگهداری مشمولین	
۴	تجمع در مقابل مراکز ژاند ارمری و پایگاههای دشمن در شهر	
۲۳	فراری دادن جوانان به هنگام دستگیری	
۴	فرار از ژاند ارمری و پان گشتهای رژیم	

است که مردم در این مدت بر سه تائیک عده تکیه داشته‌اند کسسه عبارت از تجمع در مقابل پایگاه، راه پیمایی سمت مراکز نگهداری مسوولین و فرار، دادن جواسان بود. است. کارگران و زحمتکشان برای پیشبرد امر مبارزاتی خود از کلیه اشکال مخالفت آیز و خشونت آیز مبارزه بهره جستند.

درصد بالای مقابله خشونت آیز بیانگر سطح بالای تائیکهای توده آ است. در این موارد توده‌های مردم مقابل خشونت مزدوران رژیم به اعمال تائیکهای خشونت آیز مانند حمله با چوب و سنگ به مزدوران و درهم شکستن ماشین آنها متصل هستند. و مزدوران رژیم را وادار به عقبنشینی نموده‌اند.

تلفیق اشکال خشونت آیز و مخالفت آیز مبارزه، ترکیب نقش فعال زنان و مردان و جوانان و سایر اهالی، پیوستن مبارزه چند روستا به هم و پیرسند زدن مبارزه توده‌های روستایی با زحمت

جدول شماره ۱ بیان کننده وضعیت مقاومت توده‌ها در برابر یورش مزدوران رژیم است این جدول نشان می‌دهد که کارگران و زحمتکشان در نسبت بسیار بالایی به مقابله با سیاست سرانگیری رژیم برخاسته‌اند. از نمونه‌های گزارش شده تنها ۲ مورد ضعف و تسلیم وجود داشته است و در اکثریت موارد مقاومت جمعی مردم با موفقیت بزرگی همراه بوده است.

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که تائیکهای اصلی رژیم برای دستگیری جوانان اساساً بر محاصره روستا و تفتیش و خانه گردی متکی است. رژیم جمهوری اسلامی قدرت بسیج خوبی را از دست داده و بویژه در کردستان فاقد هرگونه پایگاه توده‌ای است. این حقیقت با وضوح تمام در تائیکها رژیم ضد انقلابی فقها مشاهده میشود. رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست سرانگیری مجبور است به خشن‌ترین شیوه‌های سرکوب متصل شود.

جدول شماره ۲ بیانگر حقیقت

هرک بر جنبه‌ها از زنده باد صبح! از زنده باد انقلاب!

در روز ۹ مرداد حرکت اعتراضی خود را به شهر کامیاران رسانده و با تحصن و تجمع در مقابل مراکز رژیم دستگیرشدگان را آزاد کردند .
 اما ر و نمونه‌های فوق‌گویای این امر است که موج سرپاز گیری سراسر شهرها و روستاهای کردستان انقلابی را فراگرفته است و بدین ترتیب ضرورت بهیم حرکت سازمانده می شده و توده‌ها از طرف عناصر پیشرو نیروهای انقلابی برای مقابله با این تهاجم رژیم هر روز بیش از روز پیش خود را نشان می‌دهد . اگر چنین است پس برای در هم شکستن سیاست سرپازگیری رژیم باید تلاش خود را در جهت سازماندهی فرار از خد هست سرپازی و حمایت از سرپازان و مشمولین فراری و پناه دادن به آنان را دو چندان نمائیم . رژیم جمهوری اسلامی با بسیج اجباری توده‌ها را به مبارزه می‌طلبند . برای خنثی نمودن و بشکست کشاندن سیاست بسیج اجباری رژیم ، ایجاد کمیته‌ها و یا هسته‌های ضد جنگ با شرکت تمامی عناصر مرفقی و انقلابی که می‌توانند در شرایط کردستان با رعایت ضوابط امنیتی به مبارزه‌ای

کشان شهری جلوه برجسته‌ای از ترکیب اجزا و اشکال گوناگون مبارزه در یک کل واحد و یکپارچه برای مقابله با سیاست سرپاز گیری بوده است .

چند مورد از تاکتیکهای بکار گرفته شده توسط مردم اگر چه تعداد آنها در نظام مقایسه با کسل تاکتیکهای بکار گرفته شده معدود است دارای اهمیت منحصر به فردی است . این تاکتیکها عبارتند از :

۱۰. مقابله هماهنگ مردم بین روستا در مقابله با سیاست سرپازگیری .
 اقدام دسته جمعی و هماهنگ اهالی روستا از بخش سرشیو سفز در اواخر تیر ماه که متحد آنها توسط به انواع تاکتیکها - از جمله حمله با چوب و سنگ - اعتراض خود را ابراز داشتند و زمانیکه مزدوران قند داشتند ۱۱۰ نفر از مشمولین و غیر مشمولین دستگیر شده را به شهر ببرند ، جلو ماشینها را گرفته و با اعتراضات گسترده خود دستگیر شدگان را آزاد کردند .

۲) راه پیمانی به شهر و تجمع در برابر ارگانهای سرکوب و سرپازگیری رژیم در شهر : مردم روستای الك

سازمان یافته روی آورند ضرورت اساسی دارد *

کمیته ها و هسته های ضد جنگه موظفند با رساندن اخبار اقدامات و حرکات رژیم در این زمینه و طرد و افشای جاسوسان رژیم که سربازان و مشمولین فراری را معرفی میکنند، هر حرکت رژیم را فلج سازند * سازمان دادن جوانان برای فرار از سربازی و پیوستن به صفوف پیشمرگان از جمله وظایف کمیته های ضد جنگ است *

این امر نقش بسزایی در شکست سیاستهای رژیم دارد * مزدوران رژیم برای پندام انداختن جوانان از همه طرفد های ممکن استفاده مینمایند * یکی از وظایف مهم کمیته ها و هسته های ضد جنگ شناخت تاکتیکهای دشمن و سازمان دادن مقابله توده های با آنها است *

تاکتیکهای تاکنونی دشمن عبارتست از:

۱- تهدید و ارعاب و التماس

۲- محاصره روستا و ارعاب جمعی

۳- تفتیش و خانه گردی *

۴- دستگیری و بردن مشمولین به پایگاهها و مراکز خود *

۵- در شهرها بستن خیابانها و دستگیری جوانان *

وظیفه تمامی فعالین شهرها و روستاهای کردستان است که با راهنمودهای مشخص مردم را در مقابل با یورش مزدوران گروههای ضریب سازمان دهند * موارد زیر تاکتیکها - نی است که میبایست در هر مرحله از حرکت بکار گرفته شوند *

مرحله اول:

۱- اخبار تصمیمات رژیم برای حمله به روستاها را بلافاصله به اطلاع اهالی برسانید و فوراً مردم منطقه را برای حفاظت از جوانانشان آگوش کنید *

۲- فرار جوانان از روستا قبل از حمله دشمن را سازمان دهید *

۳- زنان و مردان را برای اعتراض دسته جمعی در زمان محاصره روستا متشکل کنید *

۴- از ورود دشمن به خانه ها جهت تفتیش و خانه گردی ممانعت بعمل آورید *

مرحله دوم: چنانچه اقدامات اولیه پیشمیر

نیفتاد، و دشمن موفق به دستگیری مشمولین شد میبایست *

همبستگی آنها و از این طریق با
تحت فشار قرار دادن مزدوران ،
دستگیرشدگان را آزاد کنید .

در تمامی موارد بالا میبایست
بلافاصله اخبار حرکات هر روستا و
یا محله را به سایر نقاط رساند و
تلاش نمود که با همبستگی مردم سایر
نقاط حرکات هر چه گسترده تر و
همبسته تر را به نمایش گذارد .
ظهور که قبلا گفتیم مادران و زنان
شیردل نقش بسیار برجسته ای در
پسری دیگران و پیش برد امر آزادی
مزدوران و شوهرانشان را دارند ،
لذا وظیفه تمامی فعالین شهر و روستا
است که به نفس زنان در مبارزه علیه
سیاست سرکشی و سرکشی رژیم احمیت ویژه ای
فائل شوند و در سازماندهی انسان
بدرینند .

در مرحله نهایی :

همسایه غیرمتمتع تمامی اقدامات
مردم موفق به آزاد کردن مسئولین
نشوند میبایست فرار سربرازان از پایتخت
یگانها و پادگانهای دشمن را سازمان
دهید .

سرک بر جنگ! زنده باد صلح!
زنده باد انقلاب!

الف) با تجمع در برابر ماشینهای
دشمن و بستن راه خروجی آنها از
روستا اعتراض را گسترش دهید .

ب) فعالین روستا میبایست با
ایجاد گروههای ضربت مجهز به
سنگ و چوب و ۰۰۰ برای مقابله با
دشمن آماده شوند .
واحد همسایه
ضربت با استقرار در ناصله های دور
و نزدیک و بستن راه خروجی دشمن
ضمن حمله از همه جوانب میتوانند
دشمن را مجبور به آزاد کردن
دستگیرشدگان نمایند .
مرحله سوم :

چنانچه باز در این مرحله از
حرکت دشمن با تمام حیل و توان
خود توانست مسئولین را با خود به
پایگاههای روستایی و یا مراکز
ژاندارمری در شهر پیوسته ،
میبایست گام بعدی را برداشت که
در این مرحله میبایست :

الف) تجمع و یا تحمین در جلوس
پایگاه را سازمان دهید .

ب) راه پیمائی و تظاهرات منظم
و متحد تا مراکز پایگاهی و ژاندارمری
دشمن در شهر - تجمع و تحصن در
مقابل مراکز رژیم - افشاگری و تبلیغ
در بین زحمتکشان شهری و جلوس

نیروی انسانی کشور در خدمت جنگه
خانمانسوز قرار میگیرد .
ریشه های تداوم و تحیق این
بحران اقتصادی و گسترش فلاکت
عمومی که روند روبه تزیاید آن از زمان

در حکومت فقها برای دریافتن
چهره واقعی هر پدیده ای بایسد
نشان و مهر این حکومت ضد انقلابی
و ضد بشری را بر آن جستجو کرد .
از این طریق میتوان دریافت که هر

گسترش فلاکت قودهای و راه مقابله بآن

تسلط حکومت فقها آغاز شده است را
در دوره اخیر در کجا باید جستجو
کرد ؟ کاهش درآمد حاصله از فروش
نفت و دارهین رابطه کمبود ارز
محوری ترین عامل این وضعیت است
که خصوصا از اواخر سال گذشته
شدت یافته است . اشباع بازار و
پائین بودن تقاضای خرید نفت از
سوئی و بمباران مداوم مراکز صدور
نفت ایران توسط عراق ، از سوی
دیگر درآمد رژیم را از بابت فروش
نفت بشدت کاهش داده است .
کاهش میزان «دور و فروش نفت»
کاهش ارز و قدرت خرید و وارد کردن
اجناس و کالاهای ضروری را بـــ
همراه دارد . در چنین شرایطی
روز به روز وضعیت اقتصادی رژیم
به ورشکستگی کامل نزدیک تر میشود

پدیده یا عرصه ای از مسائل اجتماعی
در کشور ما چه سرنوشتی پیدا کرده
و به کدام سمت میرود ؟ در حکومت
فقها سخن گفتن از " وضعیت
اقتصادی " مفهوم نامی نیست، بلکه
بحث بر سر بحران اقتصادی و
تشدید آن بعنوان امری روزمره
بیان دقیق اوضاع است ؛ بحران
اقتصادی و تشدید مداوم آن که
مهر جنگ و گسترش آن را نیز بر
پینانی دارد . اقتصاد فقهائوسی ،
اقتصادی که تود « اعالی کشور را روز
به روز به فلاکت و نابودی میثانسد ،
ا بزاری است در خدمت تشدید جنگ و
مناثر از آن در خدمت منافع توسعه
طلبانه و پان اسلامی فقهای
جنايتکار . از اینروست که تمامی
امکانات و بنیه اقتصادی و تمامی

دولتی بشدت محدود شده، امکان عرضه کالا توسط آن کاهش مییابد و به همین میزان نیز حدود تسلط بازار آزاد و نتیجتاً در آمد آن گسترش مییابد. در چنین شرایطی که رژیم روز به روز دچار وضعیتی بحرانی تر میشود برای تخفیف این فشار خود نیز به اشکال گوناگون به بازار آزاد وارد شده، در این میدان غارت و چپاول بی مهار زحمتکشان شریک میشود و از این طریق بخشی از فشار این بحران را بر دوش زحمتکشان منتقل میکند. این شکل از غارت و چپاول زندگی در دستورج توده های زحمتکش شیوه ای است که تمامی حکومتیهای بورژوازی در دوره های بحرانی به آن متوسل میشوند. ظاهراً دولت هیچ نقشی در این بازارها ندارد. ولی در واقع خود آگاهانه و با برنامه شرایط را پدید آمدن چنین بازار هائسی را فراهم میآورد. در عین حال نقش، شراکت خود را همیشه پوشیده نماند داشته و از طریق حلقه های اتصال و انواع روشهایی که اسرار تجارت و بازرگانی را در قالب بوروکراسی از نظر توده ها مخفی نگاه میدارد،

و در این راستا بخش اعظم فشار حاصله از این تنگای شدید را رژیم به اشکال گوناگون به دوش زحمتکشان جامعه منتقل میکند. علاوه بر این عاملی که فشار بحران اقتصادی بر دوش زحمتکشان و فلاکت عمومی را تشدید میکند، وضعیت بازار و توزیع در شرایط کنونی، یعنی وجود دو نوع بازار - بازار کوپنی و بازار سیاه - در کنار هم میباشد. بازار کوپنی یا توزیع دولتی اجناس، محصول اقتصاد دولتی است و خصوصاً با آغاز جنگ و اقتصاد جنگی بیش از پیش از سوی رژیم بکار گرفته شد. از سوی دیگر از آنجائیکه بسیاری از اقلام ضروری بهر صورت از طریق بازار دولتی و سیستم کوپنی قابل تهیه نیست و یا به میزان کافی توزیع نمیشود، در کنار بازار دولتی بازار سیاه که همان اجناس به قیمت های چند برابر در آن عرضه میشود، شکل گرفته که کنترل و عواید آن نصیب تجار بازار و دارو دسته های پیرامونی حکومتیان میگردد. در نتیجه وضعیت بحرانی اقتصاد و روند روبه ورشکستگی و عدم ثبات رژیم، توان و دامنه عرضه بازار

نیز) نسبت به سال ۵۸ به بیش از دو برابر افزایش یافته است. و اساس فشار این افزایش را نیز طبقه کارگر و زحمتکشان بردوش دارند. طبقه کارگر و سایر حقوق بگیران ثابت بطور مستقیم، از طریق کسر کردن بخشی از حقوق آنان بعنوان مالیات و در عین حال همراه با سایر زحمتکشان و تهیدستان جامعه از طریق خرید اجناس و خرج درآمد خود در بازار بطور غیر مستقیم بار گران اجناس را که نتیجه مسلم اخذ مالیات از تجار و بازاریان توسط دولت است را نیز بردوش خود دارند. طبق آمار رسمی، از کل درآمد بخش خدمات (درآمد تجار و بازاریان) تنها حدود یک درصد بعنوان مالیات توسط دولت اخذ می‌شود و مسلماً همین میزان را نیز زحمتکشان باید با پرداخت نرخ بیشتری برای خرید اجناس و کالاهای مصرفی بپردازند. و بالاخره موارد گوناگون به اصطلاح جمع‌آوری کمک برای جبهه‌ها که اکنون دیگر مدتهاست بم امری اجباری و عمومی تبدیل شده است، به اشکال و انواع گوناگون دنبال می‌شود و همواره بخش قابل

این بهره‌وری و سوداگری خود را از خلال شراکت در این بازارها تامین مینماید. البته در مواردی نیز بسته به مورد مشخص و میزان گستردگی آن مورد و موضع توده‌ها در قبال آن علناً از شیوه‌ها و روشهای متداول در بازار آزاد استفاده مینماید. از زمره این موارد میتوان به فروش ارز به قیمت بازار آزاد که رژیم از سال گذشته آغاز نموده است، اشاره نمود. رصه‌های دیگری چون افزایش سرسام‌آور شهریه مدارس، مخسارچ خدمات اجتماعی، افزایش مالیاتها و چپاول دسترنج مردم به بهانه‌ها و اشکال گوناگون برای به اصطلاح کمک به جبهه‌ها همگی نمودهای دیگری از سیاست رژیم در انتقال فشار بحران بردوش حقوق بگیران و زحمتکشان جامعه است. شهریه‌های مدارس در سال جاری بنسبه نسبت گذشته به میزانی حدود پنج برابر افزایش یافته است. در مورد مالیاتها نیز با مراجعه به آمار رسمی ارائه شده از سوی دولت در پایان سال ۶۴ مشاهده میکنیم که میزان اخذ مالیاتها در سال ۶۳ و ۶۴ - (و بنسبه همین ترتیب در سال ۶۵ -

توجهی از درآمد حفری بگیران پس این بهانه به غارت میرود . اما نگاهی گذرا به مختصات بودجه سال جاری ابعاد عمرمی شدید فلاکت توده این تقاضای بحران اقتصادی و عزیمت اقتصاد جنگی ذقهای جنایتکار را بسردوش زحمتکشان روشستر میسازد . اساسی ترین مشخصه بودجه سال جاری کسری ۹۰ میلیارد تومانی آن است که تقریباً معادل $\frac{1}{7}$ کل بودجه میباشد . علاوه بر این رشد شدید بخش هزینه های جاری بودجه (که بخش اعظم آن نیز صرف هزینه های جنگ میشود) به نسبت بودجه عمرانی سطح تولید را بدام کاهش میدهد و بدین ترتیب نرخ اجناس به شدت افزایش یافته و از سوی دیگر در نتیجه این امر بیکاری وسیعی دامگیر طبقه کارگر و سایر شاغلین تهیدست میشود . بخش وسیعی از بودجه عمرانی نیز غیر مستقیم و پوشیده در خدمت جنگ قرار گرفته و افزایش چشمگیر هزینه های جاری نیز فقط بدلیل مخارج جنگ میباشد . در کنار این بخش قابل توجهی از بودجه نیز به مواردی که به نحوی در خدمت جنگ قرار دارند

اختصاص یافته است از قبیل : باج های کلان به دولت سوریه برای جذب مواضع این کشور در جنگ ایران و عراق و تأمین مخارج ارکانها و نهاد هائسی چون کمیته امداد امام بنیاد شهید ، ستاد های بازسازی و نوسازی و ۰۰۰۰ که هیچ اسلام و اطرافانشان از آن طریق به چپاول و غارت دسترنج مردم مشغولند . رکود تولید و بیکارسازی های وسیع ناشی از کاهش بودجه عمرانی ، پائین آمدن سطح هزینه های مصرفی مردم که شاخص سطح درآمد و رفاه آنان است و نسبت به سال ۵۶ ، ۳۰ درصد کاهش داشته است و بالاخره افزایش شدید قیمتها و تورم کم سابقه ای که محصول چاپ اسکناسهای بی پشتوانه و کسری بودجه کلان است ، همه و همه گوشه هایی از عوارض بدیهی بودجه امسال است بودجه ای که تمام عیار در خدمت تقویت جنگ طلبی رژیم قرار دارد و هر رقم آن خبر از گسترش فلاکت توده های میدهد . در کردستان نیز از ابتدای سر کار آمدن رژیم فقها ، به خاطر تعقیب سیاست محاصره اقتصادی

و از این طریق بخشی از مایحتاج ضروری اهالی این منطقه را بدو ن تقبل هزینه‌ای تامین نموده و از سوی دیگر مقادیر زیادی ارز را وارد کشور مینماید .

بدین ترتیب روابط قاچاق و بازار سیاه قانونی شده و در کردستان بخش اصلی توده‌هایی که تحت شرایط بحران اقتصادی و بیکاری وسیع (که محصول وضعیت اقتصادی جنگی است) از منبع درآمد قابل تکیه و ثابت محرومند ، تنها از طریق مشارکت و کسب درآمد از بازارها و معاملات قاچاق میتوانند زندگی خود را تامین نمایند . این وضعیت یعنی پدایش بازار قاچاق و تاثیر بسزای آن بر اقتصاد این منطقه محصول شرایط ناشی از وجود دو پیکان جنگ ایران و عراق و جنگ رژیم و پشمرگه میباشد . در چنین شرایطی علاوه بر اوضاع نابسامان اقتصاد کشور که کردستان نیز از آن جدا نیست ، محدودیت بازارهای کار و منابع درآمد در کردستان

کردستان از سوی رژیم و در ادامه آن نیز آغاز جنگ ایران و عراق و گسترش اقتصاد جنگی به این منطقه در کنار بازار دولتی همواره بهسازار قاچاق وجود داشته است ، در چند ساله گذشته همواره بخش وسیعی از کالاهای ضروری و ارزاق مورد نیاز اهالی کردستان (و گاه حتی در حد صدور به سایر نقاط ایران) راهمین بازارها و روابط و معاملات قاچاق تامین کرده است . اکنون بخش وسیعی از بازار کردستان را همین روابط تشکیل میدهد که رژیم نسیز نه تنها توان کنترل این معاملات و بازارها را ندارد ، بلکه رسماً به گسترش این روابط و ورود کالاهای قاچاق تن داده و خود نیز در بهره برداری از آن شریک شده است . در نواحی مرزی کردستان محللهای متعددی را میتوان برشمرد که رژیم حتی به شکل اخذ مالیات و گمرک برای صدور یا وارد کردن کالاهای تحت همین روابط معاملاتی ، عملی در این بازارها شریک شده است .

نان، صلح، آزادی، حکومت شورایی!



و روند ورشکستگی و تهیدست شدن
 اقشار وسیعی از دهقانان و زحمتکش
 شهرها، روال معمول و عرصه های
 عادی کسب درآمد توده ها را از هم
 پاشیده و عرصه معاملات و بازار
 قاچاق تنها منبع اساسی درآمد
 است. اما علاوه بر این مسئله
 دیگری که در سال جاری خصوصاً
 در شهرها و روستاهای کردستان
 بشدت اوج گرفته است؛ مسئله
 گرانی اجناس و نیازهای مصرفی مردم
 میباشد. عثقی به گزارشات و اخبار
 منعکس کننده وضعیت توده ها، به
 جرات میتوان گفت که عمومی ترین
 مسئله اهالی هم اکنون دست بسته
 گریزانی آنها با غول ویرانگر گرانی
 است. خصوصاً در شرایط کنونی که
 همچنان بخش قابل توجهی از اهالی
 شهرها و روستاهای مرزی و روستاها
 شی که توسط رژیم کوچک داده شده اند
 و با از ترس سوزاندن آن و تسبیح و تسلیح
 آجباری و انواع اجحافات دیگر آواره
 نقاط دیگر هستند، گرانی متصل
 ر و زمره آنان است. اما سیاست
 با در مقابل با تشدید
 فلاکت توده های در کردستان چیست؟
 همانطور که اشاره نمودیم این
 وضعیت اقتصادی و فلاکت عمومی

نتیجه ادانه سیاستهای ضد انقلابی
 و جنگ طلبانه رژیم فقهیست. از
 سوی دیگر شرایط دشوار معیشت
 و فلاکت روز افزون توده های مسئله ای
 است که روز به روز آینده های تیره را
 برای زحمتکشان ما میسازد. از
 اینرو مبارزه توده های علیه گسترش
 فلاکت در شهر و روستا ضروری است
 و یکی از عرصه های اصلی مبارزه
 علیه رژیم اسلامی میباشد. این
 عرصه را باید با جهت دادن مبارز
 ات توده ها حول اهداف زیر
 فعالانه سازمان دهیم.
 ۱) مبارزه حول افزایش دستمزد
 برای کارگران شاغل و سایر حقوق
 گیران. ۲) مبارزه بخاطر گرفتن

این در خواستها، همواره باید این اصل اساسی را تبلیغ نمایم که عامل این وضعیت نظام سرمایه‌داری و حکومت اسلامی است که از آن دفاع میکند. آنچه که در قدم نخستین باید برای خلاصی از چنگال تمامی این مصائب (از جمله جنگ، فلاکت، سرکوب و کشتار و...) بدست آورد و برایش جنگید: سرنگونی جمهوری اسلامی است.

چرا که تنها با سرنگونی حکومتی که از نظم بحران آفرین و فلاکت‌زای موجود دفاع میکند و خود نیز به نوعی عامل تشدید آن است، میتوان راه مبارزه برای بنیان‌کنی نظام سرمایه‌داری را در ایران هموار ساخت. در همین حال باید همواره ضمن توضیح ضرورت سرنگونی رژیم اسلامی، برنامه‌ها و سیاستهای کمونیست‌ها و پیشنهادات آنان برای نجات جامعه بحران‌زده ایران را به عنوان تنها آلترناتیو قابل اتکاء برای توده‌های رنجمکش و تنها راه قطعی رهایی از بحران موجود تبلیغ و ترویج نمایم. محورهای مطالبات فوق و مابقی تبلیغ و ترویج بیه در صفحه ۲۵

ارزاق عمومی و افزایش میزان سهمیه (۲۰۰۰) مبارزه برای کسب حق بیمه بیکاری و تثبیت آن برای کارگران فصلی و روستایی و کارگران گسارگاه‌ها (۴۰۰۰) مبارزه بخاطر سرخدمات اجتماعی رایگان (تحصیل رایگان، بهداشت و...) (۵۰۰۰) مبارزه حول بالا بردن سطح رفاه عمومی و امکانات اجتماعی و مبارزه علیه گسترش مخارج جنگ.

ما باید در تبلیغات خود برای توده‌ها ضرورت مبارزه برای اهداف فوق را روشن نمایم و از طریق افشای برنامه‌ها و سیاستهای اقتصادی رژیم به هر وسیله و در هر شکل ممکن ارتباط آن را با خانسه‌خرابی و فلاکتی که دامگیر انسان است و برنامه‌های جنگ طلبانه رژیم روشن نموده و به آنان نشان دهیم که عامل اصلی تشدید این فشارها جنگ طلبی رژیم است، پس باید این مبارزه را در راستای مبارزه علیه جنگ طلبی و با هدف سرنگونی رژیم سازمان داد. ما ضمن تفسیر در خواستهای بیواسطه توده‌ها در زمینه مبارزه با فلاکت اقتصادی ضمن سازماندهی حرکات توده‌ای حول

نکاتی درباره مسئله ملی

توضیح :

در چهارمین شماره نشریه کاری راه ارگان کمیته بلوچستان سازمان که شهریورماه انتشار یافت مقاله‌ای درج شده است با نام " نکاتی درباره مسئله ملی " . این مقاله شامل دو بخش اساسی است " کاری راه " در بخش اول مقاله به تشریح مبانی دیدگاه خود در رابطه با مسئله ملی در بلوچستان پرداخته و در بخش دوم مقاله به بررسی و نقد نظریات انحرافی و فرمیستی موجود در جنبش بلوچ میپردازد . ما بخش دوم این مقاله را در زیر درج می‌نماییم .

" بنگای کریکار "

حرد هبورژواشی ترسیم مینماید . از این رو به اختصار اشاره ای به نظریات انحرافی و فرمیستی موجود در جنبش ملی خلق بلوچ میاندازیم و تنها گوشه‌ای از نظریات آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد . یکی از ویژگیهای نیروهای فرمیست در شرایط کنونی در عرصه مبارزه ملی بر خلاف ضدیت آشکار و عملی آنها در قبال خلقها در دوره پیش پذیرش مسئله ملی و خود مختاری برای خلق های ایران میباشد . اما آنچه میباید در این رابطه مورد دقت قرار گیرد همانا فرمیسم در عرصه نوین و بشکل جدید است ، که باید توسط نیروهای پرولتری و انقلابی مورد افشاکسری قرار گیرد . بهترین نمونه از این دست برخورد فرمیستهای فدائیان اکثریتی میباشد . ایشان همسوز از پذیرش خود مختاری به محضی واقعی کفه سرباز می زنند و خود مختاری را در لفظ می پذیرند تا

..... ما در اینجا تنها به این سه نکته مهم در این مقاله اکتفا میکنیم و جنبه‌های دیگر مسئله ملی را در مقالات بعدی توضیح خواهیم داد . مبانی بالا بخوبی مرز ما را با نیروهای غیر پرولتری و

اکثریت به رژیم جمهوری اسلامی از این زاویه صورت میگیرد که چرا مقامات کشوری و لشتری در استان، خلط بلوچ را در اداره امور " مشارکت " نمی دهند . هم چنین نقد اکثریت از این زاویه صورت میگیرد که رژیم جمهوری اسلامی به " تمامی خلط بلوچ هیچگونه مشارکتی در اداره امور حتی به شکل تحریف نشده و محدود " محدود " محدود " در حالی که از نقطه نظر مارکسیستها مضمون مسئله ملی بدست گرفتن سرنوشته هر خلق توسط همان خلق معنا میباید بدون دخالت و تعیین سرنوشته بدست خود خلفها نمیتوان حرفی درباره رفح ستم ملی عنوان نمود مارکسیست - لنیستها خواهان اعمال اراده خلفها در سرنوشته خویش میباشند اما " مشارکت در اداره امور " از نقطه نظر کمونیستها به چه معناست ؟ این امر به معنای آن است که خلق ستم دیده بلوچ در وضعیتی که تمامی اوضاع و احوالی که ستم ملی را بوجود آورده و بی تغییر ماند

آرا از محتبوی واقعی تهمی نمایند . یکی از بیشرمانه ترین برخورد های این جریان در نشریه اکثریت شماره ۵۹ در مقاله ای که درباره چاه بهار در بخش ستم ملی نوشته شده صورت گرفته است ، درك واقعی خود را از حق تعیین سرنوشته خلق بلسوچ ارائه دادند . اکثریت مینویسد " تضییقاتی که علیه مردم زحمتکش اعمال میشود یکی دو تا محدودیت مسا نیست علاوه بر همه بیعدالتی های برشمرده ، مردم بلوچ چاه بهار را از لجام گسیخته ترین ستم ملی رنج میبرند آنها به مانند تمامی خلط بلوچ هیچگونه مشارکتی در اداره امور حتی به شکل تحریف شده و محدود ندارند اکثریت قریب به اتفاق مسو - لین و مقامات شهری این بندر غیر بلوچ هستند " (تاکید از ماست) از نظر رفومیستها اکثریتی مسئله ملی خلق بلوچ یعنی " مشارکت در اداره امور با همکاری نمایندگان و مقامات جمهوری اسلامی . انتقاد

حق تعیین سرنوشته حق مسلم خلقهاست

بطور نمونه زهانیکه رژیم در اوایل انقلاب در برابر دیوار پولادین مقاومت خلق کرد قرار گرفت به ناچار "روح خود گردانی" را پذیرفت اما این همه هنوز فرسنگها با حق تعیین سرنوشت بمعنای اعمال اراده توده‌های خلق کرد فاصله داشت و بحق که از طرف نیروهای انقلابی و خلق قهرمان کرد مورد تحریم فرار گرفت. در آخر باید گفت که طرح "مشارکت" در شرایطی که مبارزات خلق بلوچ از دانشه بالائی برخوردار باشد مورد پذیرش رژیم قرار خواهد گرفت در نتیجه "اکثریت" خواهان همکاری بلوچها با رژیم اسلامی در "اداره امور" استان بلوچستان است.

مسئله دومی که باید آنرا روشن ساخت مسئله ماهیت رهبری و سمت گیری جنبشهای ملی بطور عام و جنبش خلق بلوچ بطور خاص میباشد. موضع کمونیستها در قبال جنبشهای ملی عبارت از اینست که از مبارزات خلقها و جنبشهای ملی تا آنجا که در راستای منافع پرولتاریا و زحمتکشان باشد مورد پشتیبانی فرار خواهد گرفت و با تمام قوا باید از این

است با مزدوران محلی جمهوری اسلامی که تجسم بدترین نوع ستم ملی میباشد در "اداره امور" استان با هم همکاری و "مشارکت" نمایند. این امر نه تنها ستم ملی را از بین نمی برد بلکه تداوم ستم ملی را هموار می نماید. "مشارکت در اداره امور" ستم ملی را حل نمی نماید بلکه بلوچها را بعنوان همدست ملت ستمگر در حوزه اجحاف و زور گوئی بر خلق بلوچ معرفی می نماید. فرمیستهای اکثریتی با طرح "مشارکت" کدائی خود برای خلق بلوچ تنها در چگونگی ستم ملی با رژیم جمهوری اسلامی اختلاف دارند. اما سئوالی که باید به آن پاسخ داد اینست که آیا رژیم بطور کلی مخالف "مشارکت" بلوچها در "اداره امور" میباشد. تجربه نشان داده است که هر وقت رژیم اسلامی در موضع قدرت باشد تمایل ندارد کسی را در اداره امور دخالت دهد اما زمانی که شرایط در وضع عادی نباشد و رژیم جمهوری اسلامی در وضع لرزانی قرار گیرد به ناگزیر انحطاطهایی در این مورد نشان خواهد داد.

جنبش‌ها را فاعل نمود. این امر بمعنای این است که در رأس این جنبش‌ها حتما و ضرورتاً میبایست پرولتاریا در موضع رهبری قرار گیرد. گو اینکه در این شرایط بهترین ضامن پیشروی و پیروزی تأمین رهبری پرولتاریا است. بلکه به این معنا است که این جنبش‌ها باید در اتحاد با پرولتاریا باشند و سد راه آن نگردند. در شرائطی که جنبش‌های ملی قائد رهبری پرولتری هستند تا آن حد تا آن اندازه که با پرولتاریا همسو میگردند انقلابی هستند. در دروا انقلابات پرولتری معیار انقلابی یا ارتجاعی بودن یک نهضت یا دوری و نزدیکی آن با پرولتاریا سنجیده میشود نه صرفاً ضدیت یا ارتجاع و بورژوازی.

مسئله سوم که باید موضحان را در قبال آن روشن سازیم اینست که تکیه گاه جنبش‌های ملی در ایران در جنبش ملی خلق بلوچ در کجا نهفته است. از نظر ما خلق بلوچ هیچ تضادی و هیچگونه ضدیتی با سایر خلق‌های ایران ندارد. از قضا برای رسیدن به منافع خاص خود به کمک و همکاری سایر خلق‌ها نیاز دارد

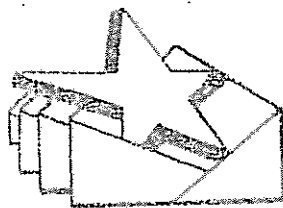
همچنانکه سایر خلق‌ها به کمک و همکاری خلق بلوچ نیاز دارند. از اینرو تکیه گاه خلق بلوچ کارگران و زحمتکشان سراسر ایران میباشند و از نقطه نظر کارگران بلوچستان با توجه به تحلیل مشخص از شرایط مشخص و احوال بلوچستان منافع خلق بلوچ ایجاب میکند که در اتحاد و پیوند با سایر خلق‌های ایران قرار گیرد. اما نیروهایی وجود دارند که رفع ستم ملی را درست در چارچوب روابط بورژوازی یعنی روابطی که اساساً بوجود آورنده ستم ملکن هستند میسر میدهند. اینان خواهان قبضه بازار ملی بدست سرمایه‌داران بومی هستند. در حالی که روابط سرمایه‌داری و تسلط مناسبات سرمایه‌دارانه در اقصی نقاط ایران گسترش یافته است. همچنانکه طبقه کارگر در سراسر ایران به عنوان یک طبقه در برابر سرمایه‌داران قرار گرفته است. وقتی ما نظام سرمایه‌داری را بعنوان نظامی پوسیده و ارتجاعی و در حال زوال میدانیم و رهائی زحمتکشان و ستم‌کشان را در گرو نابودی این نظام بعنوان نظام مسلط میدانیم

نظام بورژوازی است مسئله ملی -
 بحضون عمده ترین خواست خلق بلوچ
 سیاید در پیوند تنگاتنگ با کارگران و
 زحمتکشان سراسر ایران قرار گیرد .
 طبقه کارگر و زحمتکشان کل ایسران
 مورد ستم و بهره کشی قرار دارند .
 مبارزه ملی بدون محتوای طبقاتی و
 ستگیری انقلابی آن وسیله ایست که
 در دست نیروهای ارتجاعی قرار
 میگردد . باید روشن کرد که خلق
 بلوچ نه بخاطر فقدان نیروهای بومی
 تخصص و نبود تکنولوژی بلکه اساسا
 بخاطر روابط سرمایه داری است که
 تحت ستم میباشد . تکنولوژی و تخصص
 زمانی میتواند در خدمت رهائی از قید
 فلاکت و استعمار باشد که فواتراز یک
 نظام بورژوازی در دست طبقات انقلابی
 جامعه قرار گیرد .



خواهان پیوند مبارزات ملی -
 د مکرانیک با مبارزه انقلابی پرولتاریا
 هستیم . از نظر ما هرچند در
 مرحله کنونی مبارزات ملی خلستق
 بلوچ ، هر بخش از بورژوازی بومی
 اگر از مبارزه ملی بطور واقعی دفاع
 نماید و علیه جمهوری اسلامی و
 حاکمیت مجدد دسلطنت طلبسان و
 پستان به امپریالیسم بجنگد جزو
 نیروهای ملی خلق بلوچ محسوب
 میشود اما معتقدیم مبارزه ملی در
 پیوند عمیق و تنگاتنگ با مبارزه
 طبقاتی میتواند به فرجام انقلابی
 برسد . ما با این تصور که اگر
 سرمایه داری در بلوچستان بقدر
 کافی رشد کند و بورژوازی محلی در راس
 امور قرار گیرد ، وضع مردم بهبود
 خواهد یافت و خلق بلوچ بسسه
 خواستههای خود خواهد رسید
 مخالف هستیم زیرا این بینش
 خواستار رشد تکنولوژی به مفهوم
 مجرد است . وظیفه کمونیستها و
 دیگر نیروهای انقلابی است که
 با توضیح علل رشد ناموزون سرمایه -
 داری در مناطق ملی ایران خصوصا
 در منطقه بلوچستان روشن سازند
 که ستگیری ملی زائیده استعمار

خود مختاری یکی از اشکال حق تعیین سرنوشت است و حق تعیین سرنوشت یعنی آنکه هر خلقی آزاد باشد تا به هر شیوه ای که می خواهد حاکمیت مظلوم خویش را برقرار سازد. لذا خود مختاری در کنار خواسته های از قبیل آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی تشکل و ایجاد احزاب سیاسی و فعالیت آنان و غیره یکی از خواسته های دموکراتیک است. مسئله خود مختاری به عنوان یکی از مطالبات دموکراتیک در ارتباطات با دیگر خواسته ها در این زمینه است. یعنی آنکه بدون بدست آوردن یکی، دیگری نیز شرایط مساعدی برای تأمین نخواهد داشت. به عنوان مثال هیچ رژیم نمیتواند آزادی تشکل احزاب و فعالیت سیاسی را بدهد ولی آزادی انتشارات و آزادی بیان را سلب کند چنانکه احزاب و گروه های تشکیل شده دست به انتشار نرسد و بیان عقاید خود خواهند زد و رژیم مربوطه مجبور خواهد شد به آزادی احزاب نیز تعرض کند. تعرض به یکی از خواسته های دموکراتیک مسلماً تعرضی به دیگر حوزه ها را در بر خواهد



پاسخ به سئوال

رفیق "ع" از منطقه سرد سست پرسید: "آیا اگر رژیم بسته کردستان خود مختاری بدهد، شما باز هم خواهید جنگید؟" در پاسخ به سئوال رفیق "ع" باید بگوئیم که مسئله کسب خود مختاری در کردستان از جانب ما و همچنین سایر نیروهای انقلابی در رابطه تنگاتنگ با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و بسط دموکراسی در ایران مطرح میباشد و ما معتقدیم که تا هنگامیکه این رژیم حاکمیت دارد، امکان کسب خود مختاری در کردستان وجود ندارد و روشن است که ما نیز به مبارزه و جنگه خود ادامه خواهیم داد. لذا سئوال طرح شده از جانب شما در حقیقت بدین صورت است که آیا با بودن رژیم جمهوری اسلامی امکان کسب خود مختاری وجود دارد یا نه؟

داشت • البته تحت شرایطی در اثر توازن قوای طبقات در حال جنگ در جامعه میتوان برای یک دوره یکی از خواستههای دموکراتیک را کسب نمود • بعنوان مثال پس از سرنگونی حکومت شاه و حاکم شدن جمهوری اسلامی شرایط جامعه و جنبش انقلابی، آزادیهای سیاسی را برای یک دوره به رژیم جمهوری اسلامی تحویل کرد • در همین دوران رژیم دست به سرکوب جنبش انقلابی در کردستان و ترکمن محارزاد • حوادث بعدی نشان داد رژیم که کردستان را سرکوب کند، آزادیهای سیاسی را نیز تحمل نخواهد کرد و لذا به محض آنکه توازن قوا امکان آنرا داد، آزادیهای سیاسی نیز مورد هجوم فاشیستی قرار گرفت •

از بیسط ضایعات سرمایه داری در کلیه مناطق کردستان و زاویه تنگاتنگ اجتماعی اقتصادی آن بسا سایر نقاط ایران سبب گشته که بین جنبش انقلابی در کردستان و جنبش انقلابی در سراسر ایران زابلیه

نزدیکی وجود داشته باشد • در انقلاب بهمن همزمان با رشد انقلاب در سراسر ایران جنبش انقلابی نیز در کردستان رشد بسیاری نمود • همچنین بررسی تاریخچه حرکتها و خیزشهای انقلابی در ایران نشان میدهد که همواره این حرکات باعث تقویت جنبش در کردستان بوده اند • لذا این امر باعث میگردد که کارگران و زحمتکشان کردستان نتوانند جدا از حرکت عمومی تودهها در سراسر ایران به خواستههای خود و بطور مشخص به خود مختاری دست یابند • طبقه کارگر ایران نیز بدون همپساری کارگران و زحمتکشان کردستان نخواهد توانست قوای لازم را برای ناپودی سرمایه داری و بیسط دموکراسی فراهم آورد و لذا پیوند این امریک ضرورت تاریخی است •

از طرف دیگر اگر قبول داریم که خود مختاری به معنی اعتراف حاکمیت خلق کرد در تمامی حوزهها از جنبه وجود سیاسی و نظامی آن

خود مختاری، حق مسلم خلق کرد است

کردستان نیز جز جنگ در تمامی حوزه های ممکن با این رژیم پاسخی ندارند که به آن بدهند. بسد و ن شک ما و سایر نیروهای انقلابی در تمامی صحنه های پستاز و همسراه توده ها خواهیم بود و به هیچیک دلیل نیز با هرگونه ترغیب نسبت به این رژیم و امکان تحقق خود مختاری در چهارچوب آن مبارزه کرده و هر چه بیشتر بر سرنگونی آن بای بی فشارسیم.

گفتگویش

... خود را در این رژیم در تمامی حوزه های کار و فعالیت مرتبط بسا تشکلهای توده های باید در دستور کار خود قرار دهیم.

پیروزی تنها از طریق سازماندهی مبارزهای بی امان و هر چه گسترده تر تحول درخواستهای فوری و عاجل توده ها، برپا کردن سنگرهای مستحکم از تک تک این عرصه های نبرد و پیروند زدن و جهت دادن آن با هدف مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دست یافتنی است. در این جهت گام برداریم و برای پیروزی مبارزه کنیم.

در کردستان است چطور میتوان تصور کرد رژیمی که برای گسترش حاکمیت ارتجاعی خود به عراق و دیگرکشورهای منطقه، سپس مارا درگیر جنگ خونین چندین ساله نموده است، رژیمی که حتی آزادی مذاهب رانیسز قبول ندارد و با سرکوب و تحت فشار قرار دادن پیروان مذاهب دیگر، اقدام بهائیان و فرق مشابه ستمی در را جاری کردن مذاهب شیعه نوع خودش برای تمامی مردم ایران را دارد، تن به حاکمیت انتلابی در کردستان بدهد. توازن قوای نظامی نیز در شرایط فعلی کردستان در سطحی نیست که رژیم مجبور بسسه چنین عقب نشینی باشد. خسود مختاری در کردستان، اعمال حاکمیت نظامی نیروهای مسلح جنبش انقلابی، عدم امکان سرمایه گیری رژیم در این منطقه و قطع شبکه های جاسوسی پلیسی آنرا بدنبال خواهد داشت و این برای رژیم سرکوب و شکنجه جمهوری اسلامی غیر قابل تحمل است. رژیم جمهوری اسلامی حتی در سطح رفرمهای فرهنگی جسز عوامفریبی و وعده های توخالی چیزی به مردم کردستان نمی دهد، مردم



تاکتیکهای دشمن در تعقیب و مراقبت و رهنمودهایی برای مقابله با آن جزوه ای است که تابستان امسال از طرف سازمان انتشار یافته است. این جزوه برای پاسخگویی به ضرورتهای مبارزه در شرایط سرکوب و سازماندهی و هدایت فعالیت مخفی انتشار یافته است. رفقای سازمان و تمامی انقلابیون میتوانند از تجارب، جمعبندیها و رهنمودهای آن استفاده کنند.

تاکتیکهای دشمن در تعقیب و مراقبت و رهنمودهایی برای مقابله با آن

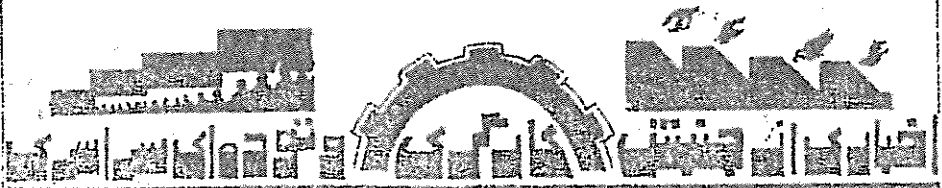
سازمان کارگران انقلاب ایران (راواکارت)

- ۱- سومین شماره نشریه کاری راه ارگان کمیته بلوچستان سازمان مردادماه ۱۵ انتشار یافت که حاوی مقالات زیر است.
- ۱- اطلاعیه کمیته مرکزی درباره شهادت رفیق حمید طهماسبی
- ۲- اطلاعیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی درباره اخراجهای دسته جمعی کارگرا
- ۳- کسترش سرکوب و شکار جوانان در بلوچستان
- ۴- جنبش ملی-انقلابی خلق بلوچ و سیاست ائتلافی ما
- ۵- حيله های جدید خوانین برای فریب زحمتکشان بلوچ
- ۶- نگاهی به تجربه انقلاب نینداراگوشه
- ۷- اخباری از بلوچستان

شماره سوم

پیکار

<p>شماره ۳ تکثیر و توزیع در میان کارگران انتشار لیبرال و کنگری</p>	
<p>گسترش سرکوب و شکار جوانان در بلوچستان</p> <p>در این شماره از پیکار، در مورد سرکوب و شکار جوانان در بلوچستان، گزارش شده است. این گزارش به وسیله رفقای بلوچستانی تهیه شده و حاوی اطلاعاتی است که برای رفقای زحمتکشان بلوچ بسیار مفید خواهد بود. این شماره از پیکار، در مورد سرکوب و شکار جوانان در بلوچستان، گزارش شده است. این گزارش به وسیله رفقای بلوچستانی تهیه شده و حاوی اطلاعاتی است که برای رفقای زحمتکشان بلوچ بسیار مفید خواهد بود.</p>	<p>گنجینه ملی انقلابی خلق بلوچ</p> <p>این شماره از پیکار، در مورد سرکوب و شکار جوانان در بلوچستان، گزارش شده است. این گزارش به وسیله رفقای بلوچستانی تهیه شده و حاوی اطلاعاتی است که برای رفقای زحمتکشان بلوچ بسیار مفید خواهد بود.</p>
<p>اخباری از بلوچستان</p> <p>این شماره از پیکار، در مورد سرکوب و شکار جوانان در بلوچستان، گزارش شده است. این گزارش به وسیله رفقای بلوچستانی تهیه شده و حاوی اطلاعاتی است که برای رفقای زحمتکشان بلوچ بسیار مفید خواهد بود.</p>	<p>گنجینه ملی انقلابی خلق بلوچ</p> <p>این شماره از پیکار، در مورد سرکوب و شکار جوانان در بلوچستان، گزارش شده است. این گزارش به وسیله رفقای بلوچستانی تهیه شده و حاوی اطلاعاتی است که برای رفقای زحمتکشان بلوچ بسیار مفید خواهد بود.</p>



به نقل از سرباره راه کارگر شماره ۲۹

رکود تولید و بیکاری کارگران

بعد از ظهر خواهد شد و بدین ترتیب ناهاری به کارگران تعلق نخواهد گرفت. در گذشته ایسین کارخانه صبحها از ساعات ۷ الی ۸ بعد از ظهر در یک شیفت فعالیت مینموده که با تنگناهای کنونی نه تنها ساعات کار کاهش خواهد یافت بلکه ناهار نیز حذف گردیده و بدین گونه در تهیه و عرضه غذا صرفه جویی بعمل خواهد آمد. چرا که رژیم اسلامی در ارائه ارزاق مبرم و اولیه زندگی ولو بطور سهیمه ای کاملاً عاجز و درمانده گشته و این سیاست در بسیاری از واحدهائی که لنگران لنگان به تولید ادامه می دهند پیاده میشود. اکنون به جرات میتوان

ایران ناسیونال طبق اخبار و شایعات گسترده قرار است چهار هزار کارگر این کارخانه اخراج و یا بالاجبار به جبهه ها اعزام شوند. مدیریت کارخانه از هر کارگر خواسته است که مبلغ بیست هزار تومان به حساب دولت سرخته و یا به جبهه ها برود و در غیر این دو حالت اخراج خواهد شد.

پارس الکتریک همانطوریکه تصور میرفت کارخانه پارس الکتریک نیز از هفته جاری به اجتنال قریب به یقین شاهد تخریب است چندی در ساعات کار خود بوده و ناهار نیز حذف خواهد گردید. یعنی ساعات کار از ۶ صبح الی ۱

و غیره ذالک ناپایدار شود. در حال حاضر کارخانه جنرال استیل در خط تولید یخچال یک شیفتی کار میکند و تعداد کارگران خط تولید پروفیل در شیفت بعد از ظهر حداکثر از ۵۰ تن تجاوز نمی‌کند. افزون بر این سقف تولید یخچال بار هم کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته و به روزانه حدود ۱۵۰ دستگاه تنزل یافته است. تا چند ماه پیش از ایسن میزان تولید یخچال در این کارخانه بالغ بر ۹۰۰ دستگاه بوده که با احتساب رقم فعلی ۶ بار تنزل یافته است.

گفت که شیوه فوق الذکر بشاپه تدابیر ویژه از جانب رژیم فقها در بسیاری از واحدهائی که کم و بیش دارای تولیدات میباشند عملی گشته و میگردد.

جنرال استیل

در کارخانه جنرال استیل از تاریخ ۱۵/۴/۶۵ شیفت دوم خط تولید یخچال حذف گردیده است و کارگران شیفت دوم عجالتا و جملگی در شیفت صبح مشغول بکار گشته‌اند و هم اکنون از دستمزد چشمگیری در قسمت های مختلف ملاحظه میشود که بنظر میرسد این وضعیت با اخراج و اتزاع ترند ها نظیر بازخرید و بازنشکنی

چنگ و کارگران

اداره جات صادر کرده و در ایسن به خشنامه برای کارخانه جاتی کسه ۴۰۰۰ کارگر دارند آمده است کسه نصف آن باید اجبارا به جبهه اعزام شوند در تاریخ ۱۷/۱/۶۵ اسامی ۲۰۰۰ نفر را غیبا مدیریت کارخانه چیت ری به بسیج کارگری سپاه در شهری ارسال میدارد اما موقع احضار ۱۵۰ نفر از کارگران از رفتن به جبهه اردوی آموزش خود داری میکنند مدیریت این تعداد را پسه

کارخانه چیت ری کارخانه چیت ری که حدود ۲۰۰۰ کارگر صنعتی دارد و در شهرری (پل سیمان) واقع شده است از جمله مجتمع هائی است که در جنوب شهر تهران قرار دارد اکثر کارگران آنجا بی سوادند تنها ۱ کارگر باسواد هستند. بعد از سخنرانی شدید الحن خمینی مبنی بر اعزام اجباری کلیه کسانی که قادر به حمل اسلحه هستند دولت به خشنامه به تمام

سپاه محرفی میکند در روز ۱۹ فرور-
دین احضاریه به آنها داده شده و
آنها فردای آن روز به سپاه فراخوانه
میشوند .

عده‌ای از کارگران به بهانه
امتناع از رفتن به جبهه خود را به
مرضی و حتی بعضی از آنها دست و
پای خود را زخمی میکنند . بعد از
بازجویی طولانی که از آنها بعمل
میآید سرانجام از تعداد ۵۰ نفر
حدود ۱۰۰ نفر را با دادن وعده
هایی چون بعد از برگشتن به شما
زمین یا خانه از طرف کارخانه داده
خواهد شد راضی میکنند اما باقی
آنها که حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر
بودند روی تصمیم خود پافشاری
میکند و از رفتن به جبهه خودداری
میکند و احتمال میرود مدیریت آنها
را از کارخانه اخراج کند .

اخراج مدیریت شرکت
توسط کارگران

شرکت رنگسازی پارس الوان در
کیلومتر ۹ جاده مخصوص کرج واقع

شده و وابسته به سازمان صنایع
ملی است این شرکت پیش از دو وینت
و پنجاه کارگر دارد در بهمن ماه گذشته
مدیر جدیدی از طرف سازمان صنایع
ملی برای شرکت منصوب گردید . این
مدیر ضد کارگر تاکنون مشکلات فراوانی
را برای کارگران به ارمغان آورده
است . در اوایل اردیبهشت ماه
اصال مدیریت برای خوش رقصی به
سالن تولید آمده و به هر قسمتی که
سر میزد از کارگران میخواست
نارضایتی احتمالی خود را از سر
پرستان بازگو نمایند . کارگران که
از خود مدیر پیش از همه نفرت دارند
توجه چندانی به حرف مدیر ننمودند
چند تن از کارگران شروع به طرح
سئوالاتی در مورد مسائل مختلف
کارخانه نمودند ، از جمله اینکه " چرا
شما دفتر خودتان را بروی کارگران
بسته‌اید و اجازه نمی‌دهید کارگران
جهت رسیدگی به مشکلاتشان مستقیماً
با شما صحبت کنند . . . "

در همین هنگام اعضای شورای
اسلامی کار که با مدیر جدید مخالف

پیش بینی سازماندهی تشکلهای توده‌ای!

درگیری کارگران با مدیر همچنان ادامه یافت . تا پس از انقضای مدت تعیین شده توسط کارگران ، سرانجام در تاریخ اول خرداد ۶۵ ، کارگران دست از کار کشیده و بطور دسته جمعی به دفتر مدیر مراجعه نمودند و او را از کارخانه اخراج کردند .

هستند با کارگران همسو شده و به سوال پیچ کردن مدیر میپردازند . مدیر که خود را در میان سنوات متعدد کارگران کلافه میدید ، بناچار سرش را پائین انداخت و با عجله بطرف دفترش دوید . کارگران اعلام نمودند که با شکایت از مدیر در صدد اخراج او برخواهند آمد .

افشای از بلوچستان

درگیری قهرمانانه شش ساعته

بین سرمچاران بلوچ با جاسوسان بسیج عشایری

خلقی بسیج عشایر دارد . از این حمله جان سالم بدر میبرد ، بعد از این حمله حدود ۱۰۰ نفر از پاسداران ارتجاع و مزدوران بسیج عشایری منطقه قهرقند - نیکشهر برای تعقیب سرمچاران گنیل میشوند . پس از ردیابی اثر پای سرمچاران توسط جاسوسان بسیج عشایر درگیری سختی بین دو طرف روی میدهد و در پی یک نبرد طولانی سرمچاران موفق آید در هم شکستن حلقه محاصره شده و عقب نشینی می نمایند . در این نبرد قهرمانانه سه تن از سر

در تاریخ ۱۹/۳/۶۵ تعدادی از سرمچاران بلوچ اتومبیل افراد کریم خان نظری را در حوالی قهرقند به محاصره خود در آورده و مورد حمله مسلحانه قرار میدهند تا آنها را به غزای اعمال خیانت آمیزشان نسبت به خلق بلوچ برسانند . در این حمله دو نفر از سرشیمان اتومبیل زخمی شده که یکی از آنان بعد اگشته میشود . کریم خان نظری یکی از خود فروختگان مزدوران سرسپرده رژیم اسلامی است و نقشش فعالی در سازماندهی ارگان ضد

ملحانه که عدد تاد را برابر ستیم و زورگوشیهای نیروهای مسلح رژیم دد منش جمهوری اسلامی صورت میگیرد، نباشیم. در اوایل خرداد ماه سال جاری چند تن از بلوچهای مسلح در حوالی مسکوتان بانیروهایی رژیم درگیر میشوند که طی آن ۶ نفر از نیروهای مزدور رژیم از جمله ۲ جاسوس به هلاکت میرسند، بلوچهای مسلح بدون متحمل شدن هیچگونه تلفاتی، منطقه درگیری را تسرک میکنند.

مچاران بلوچ به شهادت میرسند و خون پاکشان را در راه وفاداری به آرمان زحمتکشان خلق بلوچ و اعتلای مبارزات حق طلبانه آنان ایشار میکنند.

درگیری بلوچهای مسلح با مزدوران رژیم در حوالی مسکوتان

درگیری بلوچهای مسلح بنسای ارگانهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی در نواحی مختلف بلوچستان همچنان ادامه دارد. و روزی نیست که شاهد زد و خورد های

اخبار کوتاه

تاریخ ۱۵/۲/۱۱ جمعی از نماز گزاران با دادن شعارهایی خواستار تعویض استاندار و شهردار اراک شدند.

کارخانه ماشین سازی آلومینیوم میزان تولیدش به ۱۰۰ رسیده است.

بهرزاد نبوی (وزیر جنایتکار صنایع سنگین) در یک بازدید از ماشین سازی اعلام کرد که اگر کارخانه بتواند ارزش مصرفی خود را تأمین کند، بسته خواهد شد.

جولان اوباشان در اراک

در تاریخ ۱۵/۲/۹ عناصر حزب الهی در حمایت کامل مزدوران سپاه و کتیه در مرکز شهر به ایجاد رعب و وحشت دست زده و هرکسی را به کوچکترین بهانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. این برنامهنساز مزدوران در روزهای ۵ شنبه و جمعه و شنبه نیز ادامه یافت. همچنین در مراسم نماز جمعه در

برنامه آزمایشی

صدای کارگر

رادئوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنامه آزمایشی صدای کارگر هر شب در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه روی موج کوتاه ۷۰ متر معادل ۴ مگاهرتز بعدت نیم ساعت پخش میگردد. این برنامه در ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار میشود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را بخاطر بسپارید! زمان و طول موج صدای کارگر را به همگان بگوئید و در همه جا پخش کنید!

آدرس در خارج از کشور

فرانسه

ALIZADI, BP195
75564 PARIS Cedex12
France

آلمان

Postfach 650226
1 BERLIN 65
w. Germany

یا کمک های مالی خود سازمان را در

امر مبارزه انقلابی یاری رسانید

ناشریه

ریقای سریتاد

مکتوبه کنید؟

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر